کلام مرحوم نائینی:

مرحوم نائینی در بیان فرق بین تزاحم و تعارض بحثی را به صورت مفصل مطرح می کنند، ایشان می نویسد که باب تعارض و باب تزاحم از جهات مختلف با یکدیگر فرق دارد:

جهت اول)

«هی انّ باب التّعارض یرجع إلی تعاند المدلولین فی مقام الثّبوت، بحیث لا یمکن جمعهما فی مرحلة الجعل و التّشریع، لاستلزامه التّناقض و اجتماع الإرادة و الکراهة فی نفس الآمر بالنسبة إلی متعلّق واحد، أو لزوم التّکلیف بما لا یطاق لتضادّ المتعلّقین ذاتا مع اتّحادهما فی الحکم، کما إذا أوجب القیام دائما و أوجب القعود کذلک، أو لتلازم المتعلّقین تلازما دائمیا مع اختلافهما فی الحکم، کما إذا أوجب استقبال المشرق و حرّم استدبار المغرب، أو غیر ذلک ممّا لا یمکن فیه الجمع بین الحکمین ثبوتا لتعاندهما فی مقام تشریع الأحکام علی موضوعاتها المقدّرة وجوداتها، بحیث یلزم من الجمع: امّا اجتماع الإرادة و الکراهة فی موضوع واحد، و امّا لزوم التکلیف بما لا یطاق، کلّ ذلک فی مقام الجعل و التّشریع.

و هذا بخلاف باب التّزاحم، فانّه لم یکن بین الحکمین المتزاحمین منافرة و تعاند فی مقام الجعل و التّشریع، بل کان بینهما کمال الملاءمة و الموافقة، و انّما نشأ التّعاند فی مقام فعلیّة الحکمین و تحقّق موضوعهما خارجا، کالمزاحمة بین إنقاذی الغریقین، أو بین حرمة المقدّمة و وجوب ذیها، أو غیر ذلک من أقسام التّزاحم علی ما یأتی بیانه، فانّه لا محذور فی تشریع إنقاذ کلّ غریق، أو تشریع حرمة التّصرف فی ملک الغیر و وجوب إنجاء المؤمن من الهلکة، إذ لا ربط لأحد الحکمین بالآخر، بل شرع کلّ منهما علی موضوعه المقدّر وجوده من دون ان یستلزم ذلک التّشریع اجتماع الإرادة و الکراهة فی شیء واحد، أو التّکلیف بما لا یطاق، بل اتّفق التّزاحم فی مقام الفعلیّة کما إذا اتّفق انّه صار التّصرف فی ملک الغیر مقدّمة لإنجاء المؤمن، أو اتّفق عدم التّمکن من إنقاذ کلّ من الغریقین، فانّ هذا الاتّفاق لا یضر بذلک التّشریع و الجعل أصلا.»[1]

توضیح:

۱. در باب تعارض:

[1]. فوائد الاصول، ج۱، ص۳۱۷

اگر شارع بخواهد دو حکم متعارض را تشریع کند:

۲. یا دو حکم متضاد به یک متعلق واحد تعلق می گیرند، پس اجتماع نقیضین لازم می آید چرا که باید آمر نسبت به شیء واحد هم اراده کند و هم کراهت داشته باشد.

۳. یا دو حکم متضاد به دو متعلق تعلق گیرند: که در این صورت تکلیف بمالا یطاق لازم می آید:

۴. چرا که در این صورت یا دو حکم یکسان به دو متعلق متضاد تعلق می گیرند (وجوب قیام دائماً و وجوب قعود دائماً)

۵. یا دو حکم متضاد به دو متعلق ملازم تعلق می گیرند (حرمت استدبار مغرب و وجوب استقبال مشرق)

۶. پس مشکل در تعارض، مربوط مرحله تشریع است

۷. در تزاحم:

مشکلی در مقام جعل و تشریع نیست. بلکه مشکل در مقام فعلیّت حکم است

ما می گوییم:

۱. ماحصل فرمایش ایشان آن است که:

۱- تعارض مربوط به مقام جعل و تشریع است و متعارضین نمی توانند توسط یک شارع، جعل شده باشند و لذا تکاذب دارند و پذیرش هر دو حکم، به اجتماع ضدین می انجامد

۲- در تعارض، اگر هر دو دلیل بخواهند صادر شده باشند، این سر از تکلیف بما لا یطاق در می آورد

۳- اما در تزاحم: مشکل، مربوط به مقام عمل است.

۲. به نظر می رسد، تکلیف بما لا یطاق، از اختصاصات بحث تعارض نیست، بلکه هم در حکم به متعارضین و هم در حکم به متزاحمین این اشکال جاری است

۳. اما اگر قائل به انحلال شویم (که مرحوم نائینی قبول دارند)، همه تزاحم ها به تعارض بر می گردد. چرا که در تمام مثال های تزاحم، لاجرم یک مصداق که تحت دو حکم قرار می گیرد، اگر بخواهد مشمول هر دو حکم باشد، تشریع حکم بر آن، وقوع دو حکم متضاد بر متعلق واحد است که همان فرض اول تعارض است.